ويژگى هاى حكومت امام على(ع)

سيد محمدرضا حسينى

راز بگشاى اى على مرتضى

اى پس از سوءالقضا حسن القضا

چون تو بابى آن مدينه علم را

چون شعاعى آفتاب حلم را

(مثنوى معنوى, دفتر اول)

اسـاسـا هر نظام و حكومتى داراى خصوصياتى است كه برخى از آن ها مـوجـب بـرتـرى و امـتياز آن حكومت از ديگر نظام ها مى گردد كه بـايـد آن هـا را شـناخت و در راستاى بهسازى نظام به كار گرفت. الـبـتـه اين ويژگى ها ريشه در انديشه هاى دينى, علمى, سياسى و اجـتـماعى حاكم دارد, بنابراين, حاكم هر اندازه از معارف الهى, دانـش بـالا, اقـتـدار سـيـاسى و اجتماعى برخوردار باشد به همان انـدازه ويـژگـى هـاى نظام برجسته تر و ظهور و بروز خاصى خواهد داشـت و مـى تواند الگوى مطلوبى براى ساير نظام ها, خصوصا نظام هاى نوپا و نوپيدا باشد.

مـوضوع پژوهشى اين شماره نشريه به ويژگى هاى حكومت امام على(ع) اخـتـصـاص دارد. از آن جـا كه پيامبر خاتم حضرت محمد(ص) فرمود:

(انـا مـديـنه العلم وعلى بابها) كه او جامع علوم است و انسانى كـامـل ـ تـمام صفات نيك در وجود مباركش جمع است ـ طبعا جامعيت ايـشـان در سـاخـتار و بافت حكومت وى نقش آفرين است, بنابراين, حـكـومـت آن امـام, مـى بـايـستى از ويژگى هاى مهم و برجسته اى بـرخوردار باشد. ويژگى هايى كه در كم تر حكومتى بتوان همه جنبه هـاى آن را ديـد و اگر اين ويژگى ها در حكومتى يافت شود, يا آن حـكـومـت نـمايى از حكومت امام همام است و يا تظاهرى پوچ از آن حقيقت عظما است كه بالاخره سيه روى شود آن كه در او غش باشد.

خـدامـحورى, عدالت طلبى, مردم دارى, وفاى به عهد و پيمان, اصلاح طـلـبى, دقت در انتصابات بر محوريت شايستگى, مبارزه بى امان با مـفـاسـد اخلاقى و اجتماعى, دورى از تشريفات و خان سالارى, نظارت مـسـتـقيم بر مصرف بيت المال, ايجاد امنيت و آزادى در جامعه را مى توان از جمله ويژگى هاى حكومت على(ع) دانست.

ما در اين فرصت كوتاه به برخى از آن ويژگى ها اشاره خواهيم كرد و تـفـصـيل آن را به عهده پژوهندگان مى گذاريم تا با كندوكاو و بررسى عميق به گوشه هايى از اين خصوصيات دست يازند.

1. خدامحورى

اسـاس حـكـومـت امـام عـلى(ع) خدامحورى بود. در گفتار, رفتار و كـردارش به خدا مى انديشيد و حكومت را وسيله مى پنداشت نه هدف. او بـا حكومت, احكام خدا را اجرا مى كرد و مردم را با منبع فيض آشـنـا و بـه سـوى حق مى كشاند و نور الهى را در كالبد آنان مى دمـيد. امام(ع) بعد از بيعت مردم با او در خطبه اى فرمود: (انى اريـدكم لله; من شما را براى دين خدا مى خواهم). ايشان هم چنين در پـاسخ يكى از اعضاى شورا كه از ايشان پرسيد آيا تو به آن چه كـه قرآن و سنت رسول الله و سنت شيخين است, عمل مى كنى؟ فرمود:

من به قرآن و سنت حضرت رسول(ص) و اجتهاد خود عمل مى كنم.

او رضـايـت كـسى را بر رضايت خدا مقدم نمى داشت. وى اين شيوه و الـگو را از حكومت حضرت رسول(ص) اقتباس كرده بود, زيرا آن حضرت نـيـز فـقـطـ فرمان خدا را اجرا مى كرد و مردم را به دين حق كه هـمـان اسـلام است,1 هدايت مى كرد, و آنان را با قوانين و احكام الهى اسلام آشنا مى ساخت.

حـكومت آن حضرت بر محور دين بود نه مردم سالارى. اگر خواست مردم مـطـابـق با اسلام بود, مى پذيرفت ولى اگر با اسلام در تضاد بود, هـرگـز به آن عمل نمى كرد. پس حكومت اسلامى نمى تواند بدين معنا مـردم سـالارى بـاشد. فرياد مردم سالارى كه امروزه گوش فلك را كر كـرده به معناى آن است كه آن چه مردم مى خواهند, به صورت قانون درآيـد, حـال چـه ايـن خـواسـت مردم با اسلام در تضاد باشد و چه مـغـايرت نداشته باشد, در هر صورت بايد به آن عمل شود. اين نوع نـظـام در غـرب وجود دارد. اما در نظام اسلامى, مردم كه خود ركن اسـاسـى نـظام را تشكيل مى دهند و از جايگاه والايى برخوردارند, بـر مـحـور ديـن مـى گـردند و به بايدها و نبايدها توجه دارند, مـعيار آنان احكام الله است و خواست آنان اين است كه قوانين با شـريعت مطابقت داشته باشد و يا در تعارض و تضاد نباشد تا حكومت را به سوى رشد و تعالى رهنمون باشد.

امام على(ع) براى استنباط و كشف احكام خدا به دنبال خواست مردم نـبـود بـلـكه خواست خدا را در نظر داشت, اما براى اجرا و تحقق امـور حـكـومـت بـه مشورت و نقد و انتقاد مردم ارزش فراوانى مى داد. وى مـردم را به سوى خدا هدايت مى كرد و زير پرچم عدالت مى كـشاند و لذا مى فرمود: بر حلقه بينى دشمن چنگ افكنم, هرچند به حق ميل نداشته باشد و كشان كشان به آبشخور عدالت مى برم.2

2. عدالت طلبى

از جمله ويژگى هاى بارز حكومت امام على(ع), عدالت طلبى او است, كـه زبـان زد عـام و خاص است و همگان ـ حتى مخالفين او ـ به آن اعـتـراف دارنـد. امـام در اجـراى عدالت هرگز مصلحت انديشى نمى كـرد, از اين رو عدالت طلبى امام را بسيارى تاب نياوردند و كوس اسـتـقلال زدند و به چالش كشيده شدند و يا دست به شمشير بردند و در كوى و برزن دست به مخالفت زدند. اما امام على(ع) مى فرمايد: (وايـم الـلـه للانصفن المظلوم من ظالمه3; به خدا سوگند, كه داد

ستم ديده را از آن كه بر او ستم كرده بستانم.)

ابـن عـباس مى گويد: روزى وارد خيمه امام در ذى غار شدم و ديدم امـام(ع) مشغول پينه كردن كفش كهنه اش است. امام(ع) از من سوال كـرد: ابن عباس قيمت اين كفش كهنه چه قدر است؟ پاسخ دادم: هيچ. امـام فـرمـود: ارزش همين كفش كهنه در نظر من از حكومت و امارت بـر شـمـا بـيـش تر است, مگر آن كه به وسيله آن عدالتى را اجرا كـنـم, حقى را به ذى حقى برسانم, يا باطلى را از ميان بردارم.4

عدالت, روح حكومت است و نبود آن موجب انحطاط نظام و گسست اركان حـكـومـت خواهد شد. شهيد مطهرى در اين خصوص مى فرمايد: (از نظر عـلـى(ع) آن اصـلى كه مى تواند تعادل اجتماعى را حفظ كند و همه را راضـى نگه دارد, به پيكر اجتماع سلامت و به روح اجتماع آرامش بدهد, عدالت است.)5

امـام عـلى(ع) مى فرمايد: (فان فى العدل سعه6; در عدالت گنجايش خاصى است كه همگان در آن مى گنجند.)

3. مردم دارى

حكومت امام على(ع) با مردم رفتارى نيك داشت. آن حضرت هرگز طاقت شـنيدن اخبار ناگوار بدرفتارى با مردم را نداشت, زيرا او معتقد بـود هـمـان طورى كه حكومت بر مردم حقى دارد مردم نيز بر حكومت حـقـى دارنـد. وقـتى خبر برخورد نادرست استان داران و يا فرمان داران بـا مـردم را مـى شـنيد, سخت خشمگين مى شد و با آنان تند بـرخـورد مى كرد. هنگامى كه امام على(ع) مالك اشتر را به استان دارى مـصـر مـنـصوب فرمود, در حكم انتصابش كه دستورالعمل بسيار مـهـمى بود, چنين فرمود: (...واشعر قلبك الرحمه للرعيه والمحبه لـهـم والـلطف بهم ولاتكونن عليهم سبعا ضاريا تغتنم اكلهم فانهم صـنـفـان: اما اخ لك فى الدين او نظير لك فى الخلق7; مهربانى و خـوش رفـتـارى و نيكويى با رعيت را در دل خود جاى ده, مبادا به آنـان چـون جـانـور درنده باشى, خوردنشان را غنيمت بدانى, زيرا آنـان دو دسته اند: يا برادر دينى تو هستند يا در آفرينش مانند تو هستند.)

امـام عـلـى(ع) حكومت را امانت در دست حكم رانان مى دانست و در ايـن خـصـوص مـى فرمايد: (و ان عملك ليس لك بطعمه ولنه فى عنقك امـانـه8; حكومتى كه به تو رسيده شكار نيست بلكه امانتى است در دست تو.)

در حكومت امام على(ع) آزادى و امنيت براى همگان وجود داشت, هيچ كـس حـق تـعرض به ديگرى را نداشت اما حق انتقاد براى همه محفوظ بـود. بـا وجـود اين به هيچ كس يا حزبى اجازه توطئه و براندازى عـمـلى را نمى داد و به هنگامى كه خوارج جنگ را آغاز كردند چشم فتنه را از كاسه بيرون كشيد.

4. وفاى به عهد و پيمان

تـمام اديان آسمانى و همه انبيا, اوصيا, ائمه, مصلحان و عالمان ديـن بر پاى بندى به عهد و پيمان تاكيد كرده اند و فرهنگ آن را تـرويـج و پاس مى دارند. قرآن كريم يكى از صفات مومنين را وفاى بـه عـهـد و پـيـمان مى داند و مى فرمايد: (والذين هم لاماناتهم وعهدهم راعون9).

امـام على(ع) ضمن نامه اى به مالك اشتر بر وفاى به عهد و پيمان تـاكـيد فرمود و اين امر را از ويژگى هاى حكومت خود قرار داد و هـمـواره به كارگزاران بر وفاى به عهد سفارش ويژه مى كرد و حتى بـر وفاى به عهد و پيمان در برابر دشمن نيز تاكيد بسيارى داشت: اگـر بـيـن خـود و دشمنت پيمان بستى يا عهد كردى كه به او پناه دهـى, جـامـه وفـا را بر عهد خود بپوشان و تعهدات خود را محترم بشمار.10

وفـاى بـه عـهـد و پـيمان, موجب تحكيم روابط سياسى و اجتماعى و اتـحاد مسئولين و در نتيجه, در سالم سازى فضاى سياسى و اجتماعى جـامـعـه نقش زيادى ايفا مى كند; همان طور كه عهدشكنى و مخالفت بـا پيمان, موجب جو بدبينى و بى اعتمادى و پيدايش نفاق و تفرقه خـواهـد شد, كه در نتيجه, تزلزل حكومت و از هم گسيختگى نظام را به دنبال خواهد داشت. امام على(ع) به مالك اشتر مى فرمايد: (فلا تـغـدرن بـذمتك ولاتخيسن بعهدك11; پس در آن چه به عهده گرفته اى خيانت مكن و پيمانى را كه بسته اى مشكن.)

5. اصلاح طلبى

از جـمـلـه ويـژگـى هـاى حكومت امام على(ع), اصلاح طلبى است. وى هـنگامى به حكومت رسيد كه جامعه از مسير اصلى فاصله گرفته و از تـوحـيـد دور شـده بود, دورانى كه احاديث جديدى به زبان پيامبر وارد ديـن شـده بود و احكام اسلام ناب محمدى كم تر بيان مى شد و بـه بعضى از احكام عمل مى شد, بنابراين هر روز از مركز هرم دور مـى شدند تا كار به جايى كشيد كه اعيان و اشراف و باندهاى ثروت مـنـد12 در راس حـكومت قرار گرفته, ارزش هاى اسلامى پايمال شده, بـسـيـارى از تـبعيدشدگان زمان پيامبر برگشته و به حكومت رسيده بـودنـد. آرى, عـلى(ع) در چنين دورانى به حكومت رسيد و چاره اى جـز اصـلاح نـظام نداشت. افرادى مانند طلحه و زبير با او مخالفت مـى كـنند اما امام(ع) مصمم است تا حكومت را اصلاح كند. به همين دليل استان داران را عوض كرد و بسيارى از كارگزاران قريش, بكر, ثـقـيـف كـه از طبقه اشراف بودند, به زير آمدند و طائفه همدان, حـمـيـر و حـمرإ به عنوان مسئولين نظام حكومتى امام(ع) انتخاب شـدند. امام(ع) هم چنين در صدد برآمد تا پول هايى را كه از بيت الـمـال در زمان عثمان به افراد بذل و بخشش شده بود, پس بگيرد, از اين رو بعد از بيعت مردم با او بر منبر رفت و در اين خصوص فـرمـود: (والـلـه لـو وجـدته قد تزوج به النسإ وملك به الامإ لـرددتـه فـان فـى الـعـدل سعه ومن ضاق عليه العدل فالجور عليه اضـيـق13; به خدا قسم, اگر از بخشش هاى عثمان چيزى پيدا كنم كه به وسيله آن زن ها ازدواج كرده اند و كنيزانى خريدارى شده اند, الـبته آن ها را مى گيرم و به صاحبانش بازمى گردانم, چون كه در كـار عـدالـت براى مردم عرصه اى وسيع است و هركس از عدل بگذرد, دل تنگ مى شود و ظلم و جور او را دل تنگ تر مى كند.)

مـورخان مى نويسند: امام على(ع) تمام اراضى و اموالى را كه پيش از او از بـيـت المال به اشراف داده شده بود, پس گرفت. امام(ع) ايـن اصـلاحـات را ضـرورى مـى دانـسـت, زيـرا موجب قوام و تشييد (استوارى) حكومت نوپاى اسلام مى شد.

بـا تـوجـه به ضرورت آشنايى مردم خصوصا نسل جوان با حكومت امام عـلـى(ع) و نقش سالم سازى آن در جامعه, موضوع پژوهش اين برنامه را ويـژگـى هاى حكومت امام على(ع) قرار داديم تا علاقه مندان به تـحـقـيـق پـژوهش با انتخاب يكى از موضوع هاى زير مقاله خود را تـهـيه و به دفتر مجله ارسال دارند. اميد است اين نوع پژوهش ها در بهسازى جامعه اسلامى موثر باشد.

منابع:

1. شروح و ترجمه هاى نهج البلاغه.

2. سـيـمـاى كـارگـزاران على ابن ابى طالب(ع), على اكبر ذاكرى, انتشارات دفتر تبليغات اسلامى.

3. تجلى امامت (تحليلى از حكومت اميرالمومنين على عليه السلام), ناظم زاده قمى, مركز انتشارات دفتر تبليغات اسلامى.

4. سيرى در نهج البلاغه, آيه الله مطهرى.

5. آئـيـن كـشـوردارى از ديـدگـاه امـام على(ع), آيه الله فاضل لنكرانى.

6. حـكـومـت عـدالتخواهى على ابن ابيطالب(ع), سيد اسماعيل رسول زاده.

7. زندگانى حضرت اميرالمومنين(ع), سيد هاشم رسول محلاتى.

8. بـررسـى ويـژگـى هـاى حـكومت امام على(ع), مقصود فراستخواه, روزنامه سلام, 1373/2/4.

9. بررسى حكومت و سيره على(ع), كيهان 1373/9/24.

محورهاى بحث:

1. جايگاه مردم در حكومت امام على(ع).

2. معيار عزل و نصب ها در حكومت امام على(ع).

3. روش مبارزه با دشمنان در دوران حكومت اميرالمومنين(ع).

4. حساسيت امام على(ع) در برابر بيت المال.

5. امام على(ع) و حفظ ارزش هاى اسلامى.

6. امام على(ع), تامين امنيت در جامعه.

پى نوشت ها:

1 ـ آل عمران (3) آيه :19 (ان الدين عندالله الاسلام).

2 ـ نهج البلاغه, خطبه 136.

3 ـ همان.

4 ـ همان, خطبه 33.

5 ـ سيرى در نهج البلاغه, ص113.

6 ـ نهج البلاغه, خطبه 15.

7 ـ همان, فرمان به مالك اشتر, نامه 53.

8 ـ نهج البلاغه, نامه 5.

9 ـ مومنون(23) آيه 8.

10ـ نهج البلاغه, نامه 53.

11ـ همان.

12ـ علامه امينى(ره) در جلد هشتم كتاب الغدير به ثروت هاى وليد, مـروان, طـلحه, ابى وقاص, زبير و... اشاره مى كنند. براى آگاهى بـيـش تـر مـى تـوانيد به كتاب مذكور و كتاب مروج الذهب مسعودى مراجعه كنيد.

13ـ نهج البلاغه, خطبه 15.